

یادداشت سردبیر

هر چند ششم بهمن یاد آور انقلابی فرمایشی است که در اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ به مردم ایران تحمیل شد، دست کم برای آنان که خاک بی‌جایگزین سرزمینشان را ارزشمند می‌دانند، روزی تاریخ‌ساز به‌شمار می‌رود. بیشترین آب‌دهی کارون در ۶ بهمن ۱۳۴۷، ۶۰۰۰ متر مکعب بر ثانیه برآورد شده بود. در گزارشی که چند روز بعد از رادیو تهران پخش شد، شادروان ناصر گل‌سرخ، تنها وزیر منابع طبیعی ایران، وزن خاکی را که کارون در سیل مزبور به خلیج فارس برد دو میلیارد تن تخمین زد. این رخداد به یادماندنی سبب گردید که از آن پس به حفاظت خاک توجه بیشتری شود.

کم بارشی پاییز و زمستان ۱۳۴۹ به فلاکت دامداران کوچ‌رو، به ویژه در فارس انجامید. آمار دقیقی در دسترس نیست؛ لکن شمار دام‌های کوچک از دست رفته در آن «سال سیاه» را افزون بر یک میلیون برآورد کردند. گوسفند زنده به قیمت سی ریال را کنار پل قره‌آغاج در راه دشت ارژن خودم دیدم. هرچند به گفته‌ی دکتر علی‌اکبر سرافراز، استاد گرانسنگ آمار، $۲+۲=۴$ نیست، و باید حتماً \pm مقدار خطا کنار آن بیاید. برای این پژوهشگر خاک و آب، پاسخ همان چهار بود؛ سیاست حضرت یوسف (ع) (سوره‌ی یوسف، آیات ۴۷ و ۴۸): آبیاری سیلابی و در صورت امکان، تغذیه‌ی مصنوعی آبخوان‌ها. از آنجا که کناره‌های نیل از آبرفت‌های درشت دانه بی‌بهره است، آن حضرت تغذیه‌ی مصنوعی آبخوان‌ها را پیشنهاد نفرمود.

نکته: گرچه «خوان» برابر با «سفره» است و به سطح لایه‌ی آبدار گفته می‌شود، از آنجا که «آبخوان» واژه‌ای آهنگین است و به روایت استاد گرانسنگ دکتر محمد بای‌بوردی، شادروان قهرمان قدرت‌نما، یکی از اوتاد دانش آب، آن را ساخته است، لایه‌ی آبدار را «آبخوان» نامیده‌ایم.

دکتر سید آهنگ کوثر